



مشاوره تحصیلی هیوا

تخصصی ترین سایت مشاوره کشور

مشاوره تخصصی ثبت نام مدارس ، برنامه ریزی درسی و آمادگی
برای امتحانات مدارس

برای ورود به صفحه مشاوره مدارس کلیک کنید

برای ورود به صفحه نمونه سوالات امتحانی کلیک کنید

تماس با مشاور تحصیلی مدارس

۹۰۹۹۰۷۱۷۸۹

تماس از تلفن ثابت

به کشور

الذرسُ الخامسُ



أَيْنَ ذَهَبْتِ؟ ذَهَبْتُ إِلَى السُّوقِ.

كجا رفتی؟ به بازار رفتم.

المُعْجَم: واژه‌نامه

أَخَذَ: گرفت، برداشت	ذَهَبَ: رفت	عِبَاةٌ: چادر	مَلَكَتْ، بَوَّ: تو «مؤنث»
اشْتَرَى: خرید	ذَهَبْتُ رَفَمَ	عَلِمَ: پرچم	صَدِيقَتِكَ: دوست
اشْتَرَيْتَ: خریدم	ذَهَبْتُ رَفَمَ «مذکر»	عَسَلْتُ شُست	لَكِنَّ: ولی
اشْتَرَيْتَ: خریدی «مذکر»	ذَهَبْتُ رَفَمَ «مؤنث»	فُسْتَانُ: پیراهن زنانه	إِلهَادًا: چرا، برای چه
اشْتَرَيْتَ: خریدی «مؤنث»	رَسَالَةٌ: نامه	قَرَأَ: خواند	مَبْرُوكٌ: مبارک
أَصْدِقَانِي: دوستانم «مذکر»	رَفَعَهُ: بالا بُرد، برداشت	قَرَأْتُ: خواندی «مذکر»	مَلَابِسُ: لباس‌ها
أَكَلُ: خورد	بِرِزْوَالٍ: شلوار	قَرَأْتُ: خواندم	وَحَدَاةٌ: تو به تنهایی «مذکر»
أُمُّ: یا	سُوقٌ: بازار	قَمِيصٌ: پیراهن	وَحَدَاةٌ: تو به تنهایی «مؤنث»
نَفَاحٌ: تَفَاحَةٌ: سیب	شُكْرًا جَزِيلًا: بسیار متشکریم	كَانَتْ: کانت: بود	
ذَكَرَ: یاد کرد	صَدِيقَانِي: دوستانم «مؤنث»	لَا فَرْقَ: فرقی نیست	

في السوق
در بازار



کجا رفتی ای مادر حمید؟

آیا چیزی خریدی؟

آیا توبه تنهایی رفتی؟

قیمت لباسها چگونه بود؛
ارزان یا گران؟

پس برای چه خریدی؟

چه چیزی خریدی؟

- أَيْنَ ذَهَبْتِ يَا أُمَّ حَمِيدٍ؟
- هَلِ اشْتَرَيْتِ شَيْئًا؟
- أَمْ ذَهَبْتِ وَحَدَاةً؟
- كَيْفَ كَانَتْ قِيَمَةُ الْمَلَابِسِ؛ رَخِيصَةً أَمْ غَالِيَةً؟
- كَمَاذَا اشْتَرَيْتِ؟
- مَاذَا اشْتَرَيْتِ؟
- مَبْرُوكٌ؛ مَلَابِسٌ جَمِيلَةٌ! فِي أَمَانِ اللَّهِ.

- ذَهَبْتُ إِلَى سُوْقِ النَّجْفِ.
- نَعَمْ؛ اشْتَرَيْتُ مَلَابِسَ نِسَائِيَّةً.
- لَا؛ ذَهَبْتُ مَعَ صَدِيقَاتِي.
- مِثْلَ إِيْرَانِ؛ لَا فَرْقَ؛ لَكِنَّ اشْتَرَيْتُ.
- اشْتَرَيْتُ لِلْهَدِيَّةِ.
- فُسْتَانًا وَعِبَاةً.
- شُكْرًا جَزِيلًا؛ مَعَ السَّلَامَةِ.

به بازار نجف رفتم.

بله؛لباسهای زنانه خریدم.

نه، با دوستانم رفتم.

مثل ایران؛فرقی نیست اما خریدم.

برای هدیه خریدم.

پیراهن زنانه وچادر

بسیار متشکریم؛به سلامت.

مبارک؛لباسهای زیبایی است. در امان خدا.



کجا رفتی ای پدرحمید؟

آیا چیزی خریدی؟

آیا توبه تنهایی رفتی؟

قیمت لباسها چگونه بود؛ ارزان یا گران؟

پس برای چه خریدی؟

چه چیزی خریدی؟

مبارک؛ لباسهای زیبایی است. در امان خدا.

- أَيْنَ ذَهَبْتَ يَا أَبَا حَمِيدٍ؟

- هَلِ اشْتَرَيْتَ شَيْئًا؟

- أَ ذَهَبْتَ وَخَدَّكَ؟

- كَيْفَ كَانَتْ قِيَمَةُ الْمَلْبَاسِ؛ رَخِيصَةً أَمْ غَالِيَةً؟

- قَلِيمًا أَمْ اشْتَرَيْتَ؟

- مَاذَا اشْتَرَيْتَ؟

- مَبْرُوكٌ؛ مَلْبَاسٌ جَمِيلَةٌ! فِي أَمَانِ اللَّهِ.

فعل ماضی (۱)

به بازار نجف رفتم.

بله؛ لباسهای مردانه خریدم.

نه، با دوستانم رفتم.

مثل ایران؛ فرقی نیست اما خریدم.

برای هدیه خریدم.

پیراهن مردانه و شلوار

بسیار متشکرم؛ به سلامت.

- ذَهَبْتُ إِلَى سُوْقِ النَّجْفِ.

- نَعَمْ؛ اشْتَرَيْتُ مَلْبَاسَ رِجَالِيَّةٍ.

- لَا؛ ذَهَبْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي.

- مِثْلَ إِيرَانَ؛ لَا فَرْقَ؛ لَكِنْ اشْتَرَيْتُ.

- اشْتَرَيْتُ لِلْهَدِيَّةِ.

- قَمِيصًا وَ سِرْوَالًا.

- شُكْرًا جَزِيلًا؛ مَعَ السَّلَامَةِ.



چه چیزی خواندی؟

ماذا قرأت؟

شعر خواندم.

قرأت أشعاراً.



چه چیزی خوردی؟


ماذا أكلت؟

سیب خوردم.

أكلت تفاحةً.

با فعل ماضی در درس فارسی آشنا شده‌اید. فعل ماضی بر زمان گذشته دلالت دارد؛ مانند: «رَفْتُم: دَهَبْتُ». از درس پنجم تا پایان درس دهم با فعل ماضی آشنا می‌شوید. به جمله‌های فارسی و عربی زیر دقت کنید.

بسیار مهم

اول شخص مفرد.	من انجام دادم.	أَنَا فَعَلْتُ.	
دوم شخص مفرد	تو انجام دادی.	أَنْتِ فَعَلْتِ. أَنْتَ فَعَلْتَ.	
سوم شخص مفرد.	او انجام داد.	درس ۶	
اول شخص جمع.	ما انجام دادیم.	درس ۸	
دوم شخص جمع.	شما انجام دادید.	درس ۹	
سوم شخص جمع.	ایشان انجام دادند.	درس ۱۰	



أَنَا رَفَعْتُ عَلَمَ إِيرَانَ



أَنَا كَتَبْتُ رِسَالَةً لِصَدِيقِي.

من نامه ای به دوستم نوشتم. من پرچم ایران را بالا بردم.

ناوره کشور



أنتِ قَرَأْتِ كتاباً علمياً.

تو کتاب علمی خواندی.



أنت أخذتَ كتاباً مفيداً.

تو کتاب مفیدی برداشتی.



التَّمْرِينُ الأوَّلُ: جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل‌های ماضی خط بکشید.

۱. أُنْهَى الْمُسَافِرُ أَذْهَبَتْ إِلَى الْمُنْدُقِ؟ - لَا؛ ذَهَبْتُ إِلَى السُّوقِ.

ای مسافر آیا به هتل رفتی؟ نه؛ به بازار رفتم.

۲. مَاذَا عَسَلْتُ؟ - عَسَلْتُ مَلَابِيسِي وَ مَلَابِيسَ أُشْرَتِي.

چه چیزی شستی؟ لباسایم و لباسهای خانواده ام را شستم.

۳. مِنْ أَيْنَ أَخَذْتُ قَمِيصَكَ؟ - أَخَذْتُهُ مِنْ هُنَاكَ.

پیراهنت را از کجا گرفتی؟ از آنجا گرفتمش.

۴. مَاذَا اشْتَرَيْتَ؟ - اشْتَرَيْتُ فُسْتَاناً وَ عَبَاءَةً.

چه چیزی خریدی؟ پیراهن زنانه و چادر خریدم.

اوره کشور

أنا	أنت	ت
أنت	أنت	ت
أنت	أنت	ت

التَّمْرِينُ الثَّانِي: كزینة درست را انتخاب کنید.

۱. أنا مَلایسی. غَسَلْتُ غَسَلْتُ
۲. أَنْتِ أَلْعَم؟ رَفَعْتُ رَفَعْتُ
۳. أَنْتِ صَدِيقَتِكَ. دَكَّرْتُ دَكَّرْتُ
۴. أَنْتِ هَدَيْتِكَ؟ أَخَذْتُ أَخَذْتُ
۵. كَمِ ثَفَاحَةً أَكَلْتُ؟ ثَفَاحَتَيْنِ. أَكَلْتُ أَكَلْتُ

تو چند سیب خوردی؟ ۲ سیب خوردم.

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: جدول را با کلمات داده شده کامل کنید؛ سپس رمز را بنویسید.

دَكَّرْتُ - أَرْضُ - غَسَلْتُ - ثَفَاحُ - رَفَعْتُ - جَدَّةٌ - قَمِيصٌ - عِبَاءَةٌ - رَخِيصٌ - رِسَالَةٌ - أَكَلْتُ -
طَلَّابٌ - أَلْفَانِ

۱. دانشجویان
۲. دو هزار
۳. چادر
۴. نامه
۵. شستی
۶. بالا بردم
۷. خوردم
۸. پیراهن
۹. سیب
۱۰. یاد کردم
۱۱. ارزان
۱۲. زمین
۱۳. مادر بزرگ

۴ ۳ ۲ ۱ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴

ج	ا	ر	غ	ر	أ	ذ	ر	أ	ج			
ا	ع	س	س	ف	ق	ت	ك	خ	ر	د		
ط	ل	ب	ا	ل	ع	ل	م	ف	ر	ی	ض	ة
ل	ف	ا	ل	ت	ت	ت	ی	ا	ت	ص		
ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا
ب	ن	ة										

رمز: طَلَّبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.

رسول الله ﷺ

قرانت درس

عن النَّبِيِّ ﷺ : لَا يَزِيدُ فِي الْعُمُرِ إِلَّا الْبِرُّ
بر طول عمر نمی افزاید مگر کار نیک

مستدرک الوسائل ج ۶ ص ۱۷۷

